

مافیای قاجاق آثار فرهنگی و تاریخی ایران

مروریدهای مظفرالدین شاه

معروف است که مظفرالدین شاه قاجار علاقه زیادی به تفریح و بازی داشت. یکی از بازیچه‌های شاه، مروریدهای غلطان بسیار درشتی بود که نادرشاه افشار از هندوستان آورده بود و از سال ۱۱۵۴ هجری قمری تا سال ۱۳۲۰ هجری قمری، در حدود ۱۶۶ سال دست نخورده باقی مانده بود. پادشاهان بعد از نادرشاه این مروریدها را در اعیاد زینت‌بخش پیکر خود می‌کردند و در این اواخر به علت پاره‌شدن بند مروریدها آن‌ها را در یک کیسه ترمه جا داده بودند.

«مظفرالدین شاه» یک روز دست در کیسه ترمه کرد و مروریدها را از کیسه بیرون کشید و از دیدن دانه‌های درشت مروریدهای غلطان چون کودکان ذوق‌زده شد. از آن زمان به بعد هر وقت فرصت دست می‌داد این پادشاه کودک صفت با مروریدهای غلطان بازی می‌کرد. درباریان و اطرافیان رند شاه رفته رفته به فکر چیدن توپنه‌ای افتادند تا بتوانند مروریدهای «نادری» را به پول نزدیک کنند. نقشه کار ریخته شد و یک روز که «شاه» مروریدها را روی کیسه ترمه ریخته بود و بازی می‌کرد، طبق قرار قبلی یکی از غلام بچه‌ها دانه‌ای از مروریدها را برداشت و بر سر یکی از اعیان زد و آن اشراف‌زاده به نوبه خود مرورید را بر سر غلام بچه دیگر زد، و از روی کیسه ترمه مروریدی برداشت و بی هدف به جانب دیگران پرت کرد. این کار به وسیله دیگران تکرار شد و بلبشویی به راه افتاد. غلام بچه‌ها جیغ می‌زدند، درباریان شکلک در می‌آوردند و شاه قاجار قاه قاه می‌خندید. فقط می‌خندید... و این همان چیزی بود که درباریان رند آرزویش را داشتند. نتیجه آن شد که در پایان آن نمایش که ساعتی ادامه یافت حتی یک دانه از مروریدها باقی نماند. هر دانه‌اش در جیب کسی جا گرفته بود و کسی ندانست آن اثرگرانهای تاریخی چه شد؟

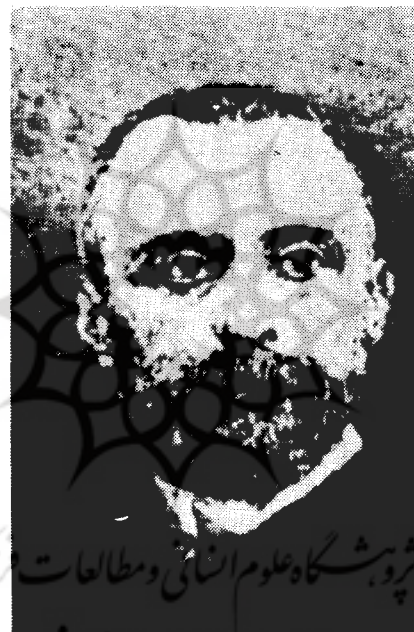
از این نمونه‌ها در تاریخ دوران قاجاریه بسیار ثبت شده که یکی هم مربوط به فردی از کتابداران سلطنتی به نام «لسان‌السلطنه» است که پرونده مربوط به او هنوز هم در بایگانی راکد اداره آگاهی موجود است. او حدود سیصد، چهارصد قرآن نفیس خطی و شاهنامه‌های مستنشق به مسیناتورهای گسرنقیمت، و غیرقابل قیمت‌گذاری را هر شب در کیف چرمی بزرگ خود می‌گذاشت از کتابخانه بیرون می‌برد و بوسیله دلان کهنه کار، از طریق سفارتخانه‌های روس و انگلیس به فرنگ می‌فرستاد. تنها یک جلد شاهنامه تیموری، از این مجموعه بعداً در یک حراج به مبلغ یک میلیون پوند که اگر به ارز آزاد امروز حساب شود سیصد و پنجاه میلیون تومان خواهد شد به فروش رفت.

جالب آن‌که در صفحه اول شاهنامه زیبای ایرانی مهر کتابخانه دولت علیه ممالک محروسه شاهنشاهی آن متغوش بود!

بیایم، باید در دل خون بگیریم و در حسرت صدها هزار اثر تاریخی (فرهنگی و هنری و...) که به جای موزه‌های ایران در موزه‌های غرب و شرق و یا در کلکسیون‌های خصوصی ثروتمندان آن سرزمین‌ها نگاه‌داری می‌شود، بسوزیم.

نخستین هیأت خارجی که در ایران رسماً به حفاری مشغول شد، یک گروه فرانسوی بود که موفق به دریافت اعتبارنامه‌ای شد که طبق آن سرتاسر خاک ایران از نظر حفاری و باستانشناسی در اختیارش قرار می‌گرفت.

در فصل دوم این اعتبارنامه، چنین آمده: «... هیأت باستانشناسی فرانسه متعهد است که هرگاه اسباب طلا یا نقره کشف کند، هم‌وزن آن، پول طلا یا

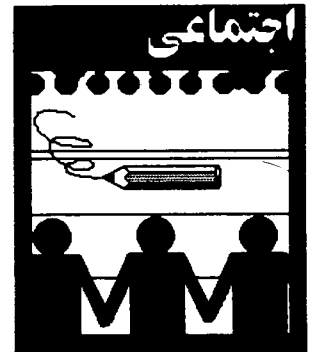


مارسل دیولافوا نخستین فرانسوی که در شوش کنگ زد

نقره باید تحویل خزانه دولت ایران گردد! و باقی اشیاء به تساوی فی‌مابین دو مملکت تقسیم گردد، مگر آنهایی که در حوالی شوش، پیدا شود، که بدون خسارت تعلق به دولت فرانسه دارد.»

«کنت رولاند دومکم» رئیس هیأت فرانسوی و همراهانش که از سال ۱۲۹۰ (ش) در شوش حفاری می‌کردند، با استفاده از همین ماده، طبق اسناد و مدارک موجود در وزارت فرهنگ و هنر سابق، کار چپاول آثار باستانی را به جایی رساندند که از همه سو شکایات آغاز شد و کار این ززمه‌ها به فریاد کشید. تا آنجا که در سال ۱۳۰۹ (ش) مجلس‌نشینان، در جلسه‌های مجلس لغو آن امتیاز را خواستار شدند.

مهلک‌ترین تیشه بر پیکر میراث فرهنگی و باستانی ایران، در زمان قاجاریه فرود آمد.



تحقیق و بررسی از:

حسن شهرزاد

سخن از نم، نم باران نیست که اگر بردشت و هامون نیارد، زمین سرسبز، به شوره‌زار بدل گردد...

سخن از ابرباران‌ها نیست که چون رحمت نیاورد، بذر دست‌افشان بزرگ، در دل خاک، دلشوره جوانه زدن گیرد...

سخن از تیر در دست جنگل نشینی نیست که اگر سر شاخه‌های خشکیده درختان را برای گرم کردن کلبه خویش قطع کرد تمامیت جنگل به خطر افتد...

سخن از آزه‌های برقی مدرن است که به جان جنگل سرسبز میراث فرهنگی و تاریخی این مرز و بوم افتاده...

سخن از غار تکران و چپاولگران آثار باستانی است... آثاری که از دیروزهای دور، تا هم امروز، بارها و بارها به دست خودی بیگانه پرور و بیگانه دوست‌نما به غارت رفته است.

غارت میراث فرهنگی و هنری در سرزمین ما سابقه‌ای بس طولانی دارد، خارج کردن اشیاء عتیقه به صورت قاجاق، و غارت میراث فرهنگی و تاریخی ما از گذشته‌های دور آغاز شد، و هنوز هم ادامه دارد. تپه‌ها... غارها... دشتها... کاخهای باستانی، اماکن متبرکه، و حتی کورمردگان عادی ما زیرورو می‌شود تا اندکی از عطش تمام ناشدنی و آز بی‌پایان مافیای جهانی عتیقه و آثار تمدن و فرهنگ ملت‌ها رضاء شود.

خالی کردن سرزمین ما از اشیاء باستانی و عتیقه‌های روخاکی و زیرخاکی به روایت زنده یاد «دکتر مصطفوی» رئیس سابق موزه ایران باستان «از زمان صفویه به شیوه‌های گوناگون آغاز شده و ادامه دارد». چنین است که روز ۲۸ اردیبهشت که روز جهانی موزه است، ما به جای آنکه به خاطر غنای موزه‌هایمان برخورد

نقش ۲۵ سفارتخانه در خروج میراث فرهنگی

پیدایش موزه در ایران

اولین موزه ایران در سال ۱۲۹۳ «ه.ق» و پس از بازگشت ناصرالدین شاه از سفر فرنگ در عمارت گلستان تأسیس شد که هنوز با نام «موزه کاخ گلستان» فعال است.

«صنایع الدوله» در روزنامه ایران در سال ۱۲۹۳ دعوت عامی از مردم کرد تا «جواهر گرانها، اشیای نفیس و قدیمه خود را جهت اتاق موزهی همایونی، به قیمت عادلانه در اختیار دارالطباعة قرار دهند».

پس از مدت کوتاهی این موزه نوبنیاد، طرف طمع رنود دربار قرار گرفت. و همان اعتمادالسلطنه در روزنامه نوشت:

«... تالار موزه به واسطه سوءظنی که بندگان همایونی پیدا کردند، دیگر مخزن جواهرات نفیسه و فلزات گرانها نیست. در قفسه‌ها، بلور و چینی چیده‌اند. جواهرات را در صندوق‌ها گذاشتند».

دو سال بعد در سال ۱۲۹۵ در یکی اتاق‌های بزرگ عمارت قدیم معارف، در قسمت شمال مدرسه دارالفنون محلی به نام موزه معارف یا «موزه ملی» تأسیس و شروع به کار کرد.

مسدتی بعد و همزمان با توسعه فعالیت‌های باستان‌شناسی توسط اروپائیان (در سال ۱۲۹۷) دولت ایران واحدی به نام «اداره عتیقات» تأسیس کرد. تا این زمان کسی به ارزش آثار تاریخی در تعیین هویت ملی ایرانیان، و تعیین قدمت فرهنگ و تمدن ایرانی کمترین توجهی نشان نمی‌داد. اما تأسیس این اداره و اقدامات متعدد دیگری هم که بعداً انجام شد نتوانست جلوی غارت آثار تاریخی با ارزش ایران را بگیرد. این تاراج به قدری وسیع بوده که امروز موزه کوچک یا بزرگی در جهان وجود ندارد که در آن یک یا چند اثر از میراث ملی ما در آن‌ها به چشم نخورد. همین وضع در مورد بسیاری از کلکسیون‌های خصوصی نیز مصداق دارد.

نکنه دردناک‌تر و تأسف‌بارتر این که طی دو سه دهه اخیر در زمینه آثار تاریخی و عتیقه‌جات هیچ حراج بزرگی در جهان برگزار نمی‌شود مگر آن که اثری از آثار ارزشمند به غارت رفته این مرز و بوم برای عرضه در آن وجود داشته باشد.

این آثار چگونه و از چه مسیری سر از حراجی‌های بزرگ آثار فرهنگی و عتیقه‌جات در می‌آورد؟ برای پاسخ دادن به این پرسش لازم است بار دیگر به گذشته بازگردیم:

از زمان صفویه پای پژوهشگران غربی کم و بیش به ایران باز شد و از زمان قاجاریه هیأت‌های فرانسوی، ایتالیایی، انگلیسی، آمریکایی، کانادایی، بلژیکی، آلمانی و دیگران اینجا و آنجا کشور ما را مورد کاوش و کنکاش قرار دادند تا موزه‌ها و گالری‌ها و کلکسیون‌های خصوصی را از آثار موجود در ورجاوند

تخت جمشید - تورنگ تپه گرگان - سیستان - شهر سوخته - تپه یحیی کرمان - شهداد - تپه‌های گودین و سه گابی - مرودشت و سایر جاهای ایران انباشته کنند.

در همین تهران تا چندی پیش در تپه‌های شهری نزدیک چشمه علی «عده‌ای بودند که حرفه آنها تپه کنی» بود. یکی از باستان‌شناسان با افسوس می‌گفت: «... در کشور ما «تپه کنی» و جستجو به خاطر به دست آوردن اشیاء عتیقه نوعی شغل و حرفه شده است.» در واقع این اشیاء توسط مردم عادی از طریق واسطه‌ها که عمدتاً عتیقه شناس‌ها و عتیقه‌فروش‌های مناطق مختلف بوده و هستند، با واسطه و با بی واسطه به دست باندهای اصلی که توان خارج کردن این آثار از کشور را داشته و دارند می‌رسد.

«سرگورزالی» دیپلمات انگلیسی، که بعد از سفر میرزا ابوالحسن خان ایلچی (سفر فتحعلیشاه در دربار انگلستان) با او به ایران آمد، هیأتی همراه داشت که «جمیز موریه» - (نویسنده کتاب حاجی بابا در اصفهان) هم جزو آن بود. اعضای این هیأت علاقه بسیاری به آثار باستانی و تاریخی نشان می‌دادند و در اطراف فارس به کاوش پرداختند و سرانجام «غار شاپور» را کشف کردند. در جریان کاوش جمیز موریه به مجسمه شاپور دست یافت. گرچه موریه امکان بردن این مجسمه را پیدا نکرد، اما به نوشته «محمود محمود»: «جمیز موریه چند سنگ تراش همراه داشت که بوسیله آن‌ها تعدادی از مجسمه‌ها را شکست و با خود برد، که هم اکنون در موزه ملی بریتانیا نگهداری می‌شود».

یک نمونه دیگر...

کهن‌ترین و مهم‌ترین لوح به نمایش گذاشته شده در سالن موزه ایران باستان، در بخش پیش از تاریخ ایران، لوح معروف «حمورابی» است. لوح یادشده، یک نمونه‌ی بدلی است که توسط دولت فرانسه در اختیار ایران فراداده شده است.

اصل این لوح که در معبدی در «بابل» قرار داشته است هم اکنون در موزه «لوور» پاریس جای دارد. لوح مذکور در ۱۱۶۰ پیش از میلاد توسط «شوتروک ناهونته» پادشاه ایلام، به هنگام فتح بابل به «شوش» آورده شده بود.

اصل این لوح در حفاری‌های سال ۱۹۰۱ میلادی توسط ژاک دمرگان فرانسوی از «شوش» کشف و از آنجا مستقیماً به موزه «لوور» پاریس منتقل شد!! در این زمینه لابد باید از فرانسویان تشکر کرد که لطف کرده و نسخه بدلی آن را به ایران دادند!

در سال ۱۸۸۳ میلادی، «مارسل دیولافوا» فرانسوی به اتفاق همسرش برای کشف گنجینه‌های باستانی «شوش» روانه ایران شدند، قبل از سفر «مارسل» دولت فرانسه بر سر تقسیم آثار کشف شده باستانی با ناصرالدین شاه به توافق رسیده بود... به موجب

توافق‌نامه، طلا، نقره، و جواهرات به دولت ایران تعلق می‌گرفت و سایر دلفینه‌ها به دولت فرانسه واگذار می‌شد. پس از کسب امتیاز «مادام دیولافوا» هرچه مجسمه و تندیس سیمین و زرین و الواح سنگی و آثار باستانی ارزنده بود، در صندوق‌های بزرگ بسته بندی می‌کرد و پیش چشم مأمورین به استناد امتیازنامه ۹۹ ساله‌اش از طریق دریا به پاریس می‌فرستاد.

خانم «دیولافوا» می‌نویسد:

در سال ۱۹۰۰ هنگام سفر مظفرالدین شاه به پاریس هنگامی که شاه تصمیم گرفت از موزه «لوور» دیدن کند. وحشت کردم. زیرا آنقدر اشیای باستانی شوش را از ایران خارج کرده بودم که آن اشیاء چند تالار بزرگ موزه «لوور» را کاملاً پر کرده بود... در حالی که تعداد بسیاری از اشیای باز نشده هنوز در صندوق‌ها دست نخورده مانده بود!

«گراویه پائولی» رئیس آگاهی شهرانی پاریس و محافظ «مظفرالدین شاه» در کتاب خودش به نام «اعلیحضرت‌ها» می‌نویسد:

«وقتی مادام «دیولافوا» دانست که شاه ایران میل دارد از موزه «لوور» دیدن کند متوحش و شرم‌منده شد، زیرا او آنقدر اشیای باستانی گرانها و نفیس از ایران خارج کرده و به موزه «لوور» آورده بود که ملاحظه داشت شاه با دیدن آن همه نفایس باستانی ایران خشمگین شود و بنای اعتراض به او را بگذارد و مانع ادامه حفاریات فرانسویان در شوش شود».

بنابراین از روی اضطرار شبانه تعداد زیادی از آثار باستانی ایران از موزه «لوور» خارج و سعی شد تالار ساده و بدون اشیای گرانها، مخصوصاً تندیس‌های بزرگ و چشمگیر به نظر شاه برسد.

شاه ایران از تالارهای ایران دیدن کرد و چون به ارزش اشیای باستانی واقف نبود به وجود آن بقیه که باز هم کم‌نظیر و بسیار قیمتی بودند در موزه بیگانه اعتراض نکرد، بلکه حسن سلیقه مادام «دیولافوا» را هم در آرایش تالار از نفایس غارت شده ایران ستود!

ادامه غارت

غارت آثار باستانی و عتیقه بعد از قاجاریه، همچنان ادامه پیدا کرد و وسعت یافت تا جایی که علاوه بر دربار و درباریان پای اعیان و اشراف هم به این کار کشیده شد. تعدادی از این اشراف‌زادگان بقایای شاهزادگان قاجاریه بودند و تعداد زیادی هم از خاندان پهلوی که به عنوان مثال «شهرام پهلوی‌نیا» یکی از سردمداران این باند بزرگ بود...

غارتگران اشیاء باستانی و سوداگران عتیقه حتی به اماکن مذهبی این کشور هم رحم نکردند و نفایس موجود در امامزاده‌ها و مساجد را هم به بیغما بردند تا کلکسیون‌ها و گالری‌ها و موزه‌های بیگانگان را از اشیاء

۱۵ هزار شیئی تاریخی فقط یک محموله قاچاق بود!

ساسانیان - صفویه - قاجاریه و دیگر ادوار تاریخ می باشد و به گفته کارشناسان می توان با آن ده موزه بزرگ ایجاد کرد.

تخریب آثار تاریخی

«دکتر پرویز ورجاوند» باستان شناس پس از کشف

سنگین وزن طلا

● گاو مسی بی نظیر در دنیا متعلق به عصر مس با ۴ هزار سال قدمت

● تنگ شیشه‌ای با تراشی یکپارچه متعلق به دوران بعد از اسلام که در دنیا بی نظیر است

● سه عدد گلدان نقره با روکش طلا، از مجموعه

ارزشمند ایرانی انباشته کنند.

اوضاع نابسامان پس از انقلاب و گرفتاریهای دوره جنگ تحمیلی فرصتی طلایی برای مافیای جهانی سرقت و قاچاق اشیاء عتیقه فراهم آورد. در این سالها کار این غارتگران بین المللی بقدری بالا گرفت که حتی مطبوعات خارجی آن را منعکس کردند و معلوم شد این مافیا با همکاری ایادی خود فروخته شان در داخل تعداد غیر قابل احصایی از آثار فرهنگی و تاریخی بی نظیر را از کشور خارج کرده اند. وسعت آن کار به حدی بود که وزارت اطلاعات کشور مجبور به مداخله شد و توانست در روند این غارتگری موانع اساسی ایجاد کند. برای پی بردن به گوشه‌ای از این یغماگری کافی است به مصاحبه وزیر سابق اطلاعات پس از مداخله این وزارت در کار مبارزه با باندهای قاچاق عتیقه و آثار فرهنگی اشاره کنیم. او ضمن مصاحبه‌ای فعالیت گسترده این غارتگران را شرح داد و عمق این فاجعه فرهنگی و ملی را آشکار کرد.

به دنبال آن مصاحبه معلوم شد که ۱۵ هزار قطعه از اشیاء و آثار تاریخی که باندهای مافیایی فرصت خارج کردن آن‌ها از کشور را نیافته بودند ضبط شده است. این آثار هم اکنون در گنجینه‌ی «موزه ملی ایران» نگهداری می شود.

چند نمونه از اشیای مسروقه که توسط وزارت اطلاعات از باندهای بین المللی باز پس گرفته شد از این قرار است:

● تابلوهای نفیس مربوط به دوران قاجار، قیمت تقریبی ۴۰ میلیون تومان (به قیمت‌های آن روز)
● صورت مجسمه مردی در حال تازیدن بر روی سرامیک

● کمر بند دوران هخامنشی مستنقش به تصاویر حیوانات اساطیری

● گاوهای بالدار، با چهره‌ای شبیه انسان
● شمشیر فوق العاده نفیس و بی نظیر، متعلق به سلاطین ساسانی

● شمشیر تشریفاتی دوران هخامنشی از جنس نقره
● ظروف مختلف دوران هخامنشی و آشوری از غار دکرمانگره لرستان (گفتنی است که یکی از این ظروف، در همدان به قیمت ۶ میلیون تومان معامله شده بود).

● اشیاء کشف شده از این غار در حدود ۱۱۰ قطعه است که قیمت تقریبی بعضی از آنها تا بیش از ۹ میلیون تومان (به قیمت‌های آن روز) ارزش گذاری شده بود
● تعدادی بشقاب بی نظیر از مجموعه ۲۷ پارچه

ظروف ساسانی با تصاویر مربوط به دوتن از شاهان ساسانی
● سه عدد بشقاب منقش به تصاویر عقاب در حال شکار و آناهیتا و شیر ماده از مجموعه ظروف ۲۰ پارچه دوره ساسانی

● پلاک بسیار نفیس برجسته با نقش یک پرنده اسطوره‌ای متعلق به دوران هخامنشی همراه با دو دستبند



ستون‌های کاخ آپادانا - تخت جمشید مافیای آثار عتیقه حتی قصد ربودن این ستون‌های عظیم را کرده بود

گنجینه دوران ساسانی

● بیست قطعه پارچه عهد ساسانیان، که متخصصین قیمت پایه آن را حدود ۲۰ تا ۲۵ میلیون تومان تخمین زده بودند

● اشیای فوق مربوط به دوران مختلف تاریخ ایران از جمله آشوریان - سلوکیان - مادها - هخامنشیان -

این سرقت بزرگ میراث فرهنگی، در جواب خبرنگاری که از او پرسیده بود، به نظر شما جهت حفظ آثار باستانی و نگهداری آن چه باید کرد؟ جواب داده بود:

... در نهایت اندوه باید بگویم که در آغاز انقلاب شاهد حرکت‌های بسیار دردناکی بودیم و تعدادی از

اجتماعی

برخورد با قاچاقچیان عتیقه قاطع نیست

یکی از مسؤولان وزارت اطلاعات در زمینه سرقت عظیم اشیای باستانی و عتیقه، در مورد گروه‌هایی که مبادرت به جمع‌آوری و قاچاق این گنجینه‌های گرانقدر می‌کردند، گفت:

«... کشور ما در سالهای پس از انقلاب اسلامی شاهد خسارات گسترده و زیان‌باری بخصوص در ارتباط با تخریب و سرقت از مساجد و ابنیه و بقاع متبرکه و به طور کلی آثار دوران اسلامی و پیش از آن بوده است، که همچنان نیز کم و بیش توسط عده‌ای سودجو ادامه دارد. تا جایی که قیمت تقریبی پنج مورد از اشیای کشف شده بالغ بر ۶۵۰ میلیارد ریال برآورد شده...»

در این ضریب چشمگیر توسط مأمورین اطلاعات حدود ۱۵۰ نفر از غارتگران میراث فرهنگی در یک مرحله دستگیر شدند، که عمده جرایم این افراد، در ارتباط با خروج میراث فرهنگی کشور و رابطه‌ی گسترده با عوامل بیگانه بخصوص دیپلماتهای خارجی در تهران به منظور خروج این اشیاء از کشور بود، که سودگران با دادن مقادیر زیادی رشوه و با اغفال تعدادی از مأموران دولتی اقدام به خروج قاچاق این آثار نموده‌اند.

در این سرقت میراث فرهنگی از ایران ۲۵ سفارتخانه شناسایی شده‌اند که از این تعداد ۱۶ سفارتخانه مربوط به کشورهای اروپایی بود.

در یک اقدام قانونی، حدود ۳۵۰۰ سکه طلا و نقره توسط وزارت اطلاعات از کشور آلمان که بوسیله سوداگران از ایران خارج گردیده بود به وطن بازگشت. وزن دفتنه‌هایی که توسط یک سفارتخانه طی ۲۰ نوبت غیرقانونی از کشور خارج شده بود به حدود پنج تن می‌رسید.

همین مقام اضافه کرد:

«... در یک سرقت بزرگ گروه سارقین تخت جمشید آنچنان مجهز بودند که توانستند یک قطعه سنگ ۳۰۰ کیلویی را از تخت جمشید بیرون ببرد تا آن را برای خارج کردن از ایران آماده کنند. بدین ترتیب که از سنگ حجاری شده بوسیله اره سنگ‌بر لایه نقش و نگاردار را جدا کردند، تا از وزن سنگ کاسته شود و حمل آن از ایران ساده‌تر انجام گیرد، که خوشبختانه پس از ۴۸ ساعت عوامل سرقت و مسؤولینی که می‌بایستی سنگ تخت جمشید را از کشور خارج کنند دستگیر شدند.

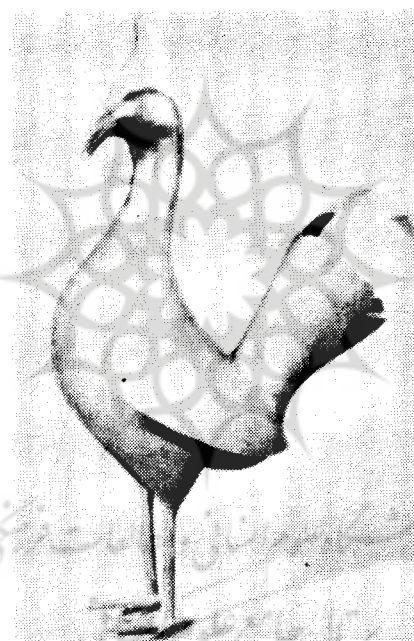
می‌گویند شبی در جمع فرهنگ دوستان بحث غارت میراث فرهنگی بود که مرحوم انجوی شیرازی به شوخی رو به یاران کرد و گفت:

«... خدا را شکر که تخت جمشید تا دریای آزاد راهی بس طولانی دارد وگرنه غارتگران آثار تاریخی این مرز و بوم، حتی تکه سنگی از آن برای آیندگان باقی نمی‌گذاشتند. همه‌ی این آثار گرانقدر و گرانسنگ را بر کشتی می‌نهادند و زینت‌بخش موزه‌های ینگه دنیا می‌کردند.

قتل عام‌های گسترده کشته شدند، بی آن که فرصت کنند تا نشانی از دارایی‌های خود به کسی بدهند هم از این رو در قصه‌های ایران گنج بسیار یافت می‌شود.»

وگاه حوادث و رویدادهای طبیعی مانند سیل معروف «هزار جریب» ۱۳۰۵ قمر که تپه‌ها را شست باعث کشف آثار زیرخاکی می‌شود. همچنان که همین سیل وحشتناک «هزار جریب» امین السلطنه را که مالک آن منطقه بود به چند خمره سکه طلا و نقره و مقداری ظروف چینی و مسی رساند که «اعتمادالسلطنه» عمر آن اشیاء را به حدود سال‌های ۱۰۰۰ میلادی تخمین زده است.

این آثار تاریخی از آن فرد یا گروه و یا خانواده‌الدوله‌ها و السلطنه‌ها نیست، متعلق به همه‌ی



یک نمونه از کشفیات مأموران وزارت اطلاعات

مردم است و جزو اموال و موارث عمومی است و بایستی در اختیار دولت که نماینده ملت است گذاشته شود. به همین علت تصرف در آن و از بین بردن، خرید و فروش و حیف و میل کردن آن‌ها بدون تردید موجب سلب حق حاکمیت ملت است. بایستی هر چه زودتر جلوی آن را گرفت.

گرچه قاچاق اشیای عتیقه و میراث ارزشمند فرهنگ و تمدن غنی ایران سابقه‌ای طولانی دارد. اما بایستی قبول کرد که چپاول آثار باستانی و اشیای عتیقه در چند سال اخیر قابل توصیف نیست. متأسفانه در این سالها عده‌ای سودجو، همانند لشکریان مغول و تیمور ناجوانمردانه در پهن دشت خاک این سرزمین هزاران مورد حفاری غیرقانونی انجام داده‌اند.

آثار ارزشمند، عرصه ناخت و تاز سودجویان و یا ناآگاهان متعصب قرار گرفت. برخی از این آثار به کلی منهدم گشتند که از آن جمله می‌توان از بنای ارزشمند سر در دیوانخانه کاشان اثری از دوران «صفویه» یاد کرد، جماعتی زراندوز برای مرغوبیت زمین‌هایشان آن را از بُن برانداختند، آثاری چون مدرسه میرزا جعفر در مجموعه «بافت» پیرامون صحن حرم حضرت رضا (ع) در مشهد: «پامنا زواره‌ای» اثری از قرن پنجم، حمام «خسروآقا» در اصفهان و مانند آن، همه و همه در فاصله کوتاهی نابود شد.

از سوی دیگر قاچاقچیان به گونه‌ای بی سابقه به جان آثار باستانی افتادند و با بسیج افراد بسیار، به حفاری قاچاق پرداختند.

در نهایت، تأسف کار تجاوز به آثار باستانی و بناهای تاریخی و انجام حفاری‌های قاچاق به چند ماه آشفته‌بازار انقلاب محدود نشد. پس از آن نیز ادامه یافت.

نمونه‌هایی چون لطمه‌زدن به مسجد «علیشاه یا ارگ تبریز» تجاوز به محوطه حریم اثر کم نظیر مسجد جامع ارومیه و مکان‌های دیگر کم نیستند. کمتر شهری را نمی‌یابید که به مجموعه‌های تاریخی و بافت‌های آن لطمه وارد نشده باشد. در همین شهر قزوین چندین کاروانسرا به نابودی و ویرانی کشیده شد که هر یک اثری ارزشمند به شمار می‌رفت و آنهایی که هنوز نیمه جانی دارند می‌ارزد که با هر هزینه از آنها نگهداری کرد.

درساره کساوشهای قاچاق نیز می‌توانید به روزنامه‌های خبری کشور طی این چند سال نگاهی بیاندازید تا به ابعاد گسترده امر پی ببرید، شک نکنید آنچه که در روزنامه بازتاب پیدا کرده است خیلی که خوش‌بینانه برخورد کنیم، فقط یک بخش ناچیزی از تجاوزهایی است که نسبت به جایگاه‌های باستانی و تاریخی صورت گرفته است.

اگر هیأت‌هایی را مأمور کنید تا فهرست اشیای باستانی را که بر اثر حفاری قاچاق، به خارج انتقال یافته و در حراج‌های مختلف به فروش رفته‌اند و آنهایی را که توسط موزه‌های جهان خریداری شده‌اند، تهیه کنید، خواهید دید که حجمی عظیم از میراث‌های فرهنگی این سرزمین سالیانه از کشور خارج می‌شود. با توجه به کنوانسیون‌های جهانی، ما می‌توانیم نسبت به بازگرداندن این آثار اقدام کنیم.

«گنج بی رنج»

زنه‌یاد دکتر صورتگر ادیب و شاعر می‌گفت:

«در تاریخ می‌خوانید چندین بار، در ابتدا و انتهای هر سلسله سلطنتی شهرهای ایران بر آشوب بود و غارت شده. بدانید که کسانی اندوخته‌های خود را در آن زمان به زیر خاک کرده‌اند. خاک نگاهبان مهربان این یادگاراها بوده، صندوق بانکی آن‌ها بوده و چه بسا از آن‌ها که در